رابطه دعای چهل و هفتم صحیفهٔ سجادیه و قرآن مجید با رویکرد بینامتنیّت
ابراهیم اقبال/ منصور پهلوان / فهیمه سجادی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۶۷-۱۸۰

رابطه دعای چهل و هفتم صحیفهٔ سجادیه و قرآن مجید با رویکرد بینامتنیّت

ابراهیم اقبال[۱]/ منصور پهلوان[۲] / فهیمه سجادی[۳]

چکیده: قرآن مجید، با علم و فکر و عمل و کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و أئمه معصومین علیهم السلام سخت در ارتباط است؛ به طوری که به «قرآن ناطق» توصیف گشته اند. کلام إمام سجاد علی بن حسین علیه السلام در صحیفه سجادیه نیز چنین است. گرچه در موارد زیادی، این رابطه روشن نگردیده واگر تحقق این امر در بخشی از کلام ممکن باشد، چه بسا در بخش‌های دیگر و در نتیجه در همه کلام چنین باشد. شیوه جستجوی خاستگاه و منابع یک أثر و یک متن، از ویژگی‌های نقد سنتی و أصیل است و طی دَه‌ها قرن، ملاک و معیاری مهم برای ارزیابی آن بوده است اما در عصر حاضر این بررسی‌ها در دانشی جدید در علم زبان شناسی و نقد أدبی به نام بینامتنیت انجام می‌شود. این علم با وجود اختلافاتی در مبانی و روش‌ها و... هم چنان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی ارتباط دعای ۴۷ صحیفه سجادیه با قرآن مجید با روش متداول بینامتیت مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت و به دست آمد که امام سجاد علیه السلام، ضمن بازتولید لفظی مستقیم عبارات قرآنی (نفی جزئی) و تغییرات صرفی- نحوی و توسعه معنایی (نفی متوازی) و در لایه‌های عمیق‌تر، مضامین قرآنی را با مفاهیم إعتقادی و أخلاقی عرضه داشته است. علاوه بر این، أصولی از علم کلام را نیز در قالب دعا مطرح کرده است و روشن گردید که متن دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه، نمونه‌ای از رابطه کلام معصومان با قرآن کریم است و این امر بر والایی إعتبار، بالایی جلالت و فزونی طراوت آن می‌افزاید.

واژگان کلیدی: قرآن مجید، امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، بینامتنیت، متن حاضر، متن غایب.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰.

۱. ابراهیم اقبال، دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران، نویسنده مسوول . eeghbal@ut. ac. ir.
۲. منصور پهلوانَ، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
۳. فهیمه سجادی، دانش آموخته دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

قرآن کریم مهم ترین، معتبرترین و مؤثرترین منبع اسلامی است. سنّت و کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرات معصومین علیهم‌السلام در مرتبه و جایگاه پس از آن قرار دارد. روشن و بدیهی است که میان آن دو ارتباطی تنگاتنگ وجود داشته باشد و منبع نخست بر دوم سایه افکنده باشد و منبع دوم درصدد بیان و توضیح نخست باشد و از دیگر سو اعتبار خود را از آن بگیرد. صحیفه سجادیه در دسته دوم قرار دارد. این منبع گرچه دعاهای حضرت علی بن حسین امام سجاد علیه‌السلام را در خود دارد، از آن ارتباط بیرون نیست و منبع اول در آن قابل بازیابی و شناسایی است.

بررسی رابطه و تأثیر و تأثر این دو منبع، سابقه‌ای طولانی دارد و مورد توجه و استفاده نویسندگان و پژوهشگران بسیاری واقع شده است. در نگاه بزرگ‌تر، سابقه نقد سنتی منابع و جست و جوی خاستگاه یک أثر یا یک متن، چه بسا به پیش از اسلام و بیش از بیست قرن بازگردد و ملاک و معیاری مهم در ارزیابی آن باشد(رک: نامور مطلق، ۱۴۰۰، ۲۶).

اما در عصر حاضر، در علم زبان شناسی و نقد أدبی، دانشی به نام بینامتنیّت ظهور یافته است که« بر پایه أصل أساسی آن، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و هر یک بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند... » (نامور مطلق، ۱۴۰۰، ۲۴) و متن، یک نظام بسته، مستقل و خودکفا نیست، بلکه دارای پیوندی دوسویه و عمیق با دیگر متون است (مکاریک، ۱۳۸۴، ۷۲). از منظر این علم، درک کامل یک متن مستلزم بررسی إرتباط آن با سایر متون است و صرف تحلیل روابط درون متنی برای فهم آن کافی نیست (قائمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۱۳). در أدبیات عرب، برای این دانش، اصطلاحاتی همچون: «التناصية»، «النصوصية»، «تداخل النصوص» و «النصوص المتداخلة» کاربرد دارد (عطا، ۲۰۰۷، ۱۱). گرچه بنیان بینامتنیّت بر تقابل با شیوه سنّتی و نقد منابع نهاده شده و یکی از ویژگی‌های مشترک آراء کریستوا و بارت(دو تن از مؤسسان علم) تقابل با نقّادان منبعی است، ولی در تحقیقات بینامتنی ایران، نوعی شکل گرفته که بیشتر به نقد منابع شباهت دارد(نامور مطلق، ۱۴۰۰، ۱۷). با این وجود مبانی و أصول و روش‌های این علم، حتی نزدپایه گذران و صاحب نظران آن هم یکسان نیست. تحقیق

حاضر بر أساس روش غالبا متداول در ایران انجام می‌شود.

روش بینامتنی، سه رکن دارد: متن حاضر(موضوع تحلیل)؛ متن غایب یا پنهان(که به صورتی در متن حاضر، نهفته و پنهان است) و عملیات بینامتنی(بررسی و شناسایی فرآیند انتقال و تغییر لفظ یا معنی از متن غایب به حاضر). این أمر نه تنها به کشف متون نهفته می‌پردازد، بلکه ساز و کار تبدیل و بازآفرینی آن‌ها را در متن جدید روشن می‌کند (و رک: جمعه، ۲۰۰۳، ۱۴۴). این بازآفرینی یا بازشناسی متن پنهان در متن حاضر، غالبا به سه صورت انجام می‌شود: نفی جزئی یا إجترار؛ نفی متوازی یا إمتصاص و نفی کلی یا حوار(تعریف هریک در ادامه و در جای خود می‌آید).

در این مقاله دعای ۴۷ صحیفه سجادیه به عنوان متن حاضر و قرآن مجید به عنوان متن غائب، مورد بررسی قرار می‌گیرد و فرآیند انتقال و بازآفرینی کلمات و معانی قرآن کریم در این دعا، به سه صورت یادشده، بازیابی و بازشناسایی می‌شود.

مسأله مقاله این است: چگونه می‌توان رابطه قرآن مجید را با دعای ۴۷ صحیفه که در أسلوب دعا است و با ساختار دیگر أحادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام تفاوت دارد، از منظر علم جدید بینامتنیت، واکاوی و بازشناسی کرد و در صدد آن است که نشان دهد دعای ۴۷ و همه صحیفه در ارتباط با قرآن کریم و با اعتباری والا است و إثبات و افزودن بر اعتبار و جلالت و طراوت این منبع اسلامی، بر ضرورت تحقیق می‌افزاید.

مسأله تحقیق با پاسخ به این سه سؤال پی گرفته می‌شود: چه ألفاظ و عباراتی و چه مفاهیمی از قران کریم به دعای ۴۷ صحیفه راه یافته است؟ بازتاب مباحث کلامی در قالب دعا چگونه جلوه نموده است؟ نحوه انتقال آنها و فرآیند شکل گیری دعا چگونه است؟ بازیابی و شناسایی این دو امر، چگونه بر فهم بهتر و اعتبار بیشتر دعا رهنمون می‌سازد؟

۲. پیشینه پژوهش

در موضوع مقاله و به عنوان پیشینه خاص پژوهش، تنها دو مقاله همایشی نگاشته شده است.

اما به عنوان پیشینه عام به یک کتاب و چند مقاله دسترسی حاصل شد:

-کتاب بینامتنیت قرآن کریم و صحیفه سجادیه، عارفه داوودی و فتحیه فتاحی زاده که در اصل پایان نامه داوودی، در مقطع کارشناسی ارشد، در دانشگاه الزهرا علیهاالسلام، در ۱۳۹۵، با راهنمایی فتاحی زاده بوده است و به بررسی روابط بینامتنی در هفت دعای ابتدایی صحیفه پرداخته است.

-مقاله بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه، عباس اقبالی و فاطمه حسن خانی، که در مجله ادبیات دینی، ۱۳۸۹ منتشرشده است.

- مقاله بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه، محمدرضا ستوده نیا و زهرا محققیان که در مجله پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، ۱۳۹۵ چاپ شده است.

پژوهش پیش رو با تحقیقات انجام گرفته متفاوت است؛ گرچه در مواردی اندک هم پوشانی به ناچار پیش می‌آید.

۳. پژوهش

در این بخش با توجه به صورت‌های سه گانه بینامتنیت و رعایت أرکان سه گانه آن، در سه زیربخش، نمونه‌هایی روشن از روابط بینامتنیت قران کریم با دعای ۴۷ صحیفه سجادیه، مورد شناسایی و واکاوی قرار می‌گیرد و یادآوری می‌شود که این موارد، تنها نمونه‌هایی هستند و مراتب قطعا بیش از اینها است.:

۳-۱. نفی جزئی/ اجترار

نفی جزئی در بینامتنیت آن است که مؤلف بخشی از متن غایب (یک کلمه یا یک عبارت یا یک جمله) را بدون تغییر معنی، در متن خود بیا ورد و کمتر نوآوری و إبتکاری در آن ایجاد کند و به نوعی متن حاضر، ادامه متن غایب باشد (عزام، ۲۰۰۵، ۱۱۶). نام دیگر این فرآیند «إجترار» است که در لغت به معنای نشخوار کردن و دوباره جویدن است و به آرایه أدبی «تضمین»[1] شباهت دارد. ویژگی أصلی این رابطه، إنطباق لفظی و معنایی بخش

۱.۱: «تضمین» آن است که شاعر یا گوینده، بخشی از کلام دیگری را بیاورد و در صورت غیرمشهور بودن، نام اورا ذکر کند(هاشمی، ۱۳۹۷ش: ۲۰۰).

إقتباس شده با متن مبدأ است. اینک چهار نمونه:

۳-۱-۱. متن حاضر: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»(فراز اول دعای ۴۷).

متن غائب: ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾ (فاتحه: ۲؛ هم چنین أنعام: ۴۵؛ یونس: ۱۰؛ صافات: ۱۸۲؛ زمر: ۷۵ و غافر: ۶۵).

عملیات بینامتنی: إمام سجاد علیه‌السلام نخستین جمله و عبارت از فراز اول دعای خود را با آیه‌ای از قرآن مجید، با حفظ معانی و مختصات زبانی و بدون تغییری آغاز کرد و به نوعی متن حاضر به سان متن غایب(درسوره فاتحه) شروع گردید و با عبارت: «اللهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... » ادامه یافت و معنی توسعه پیدا کرد. نیز، در این فراز، آیه قرآن در بافت دعایی بازتولید شد و با توسعه معنایی، هم به عنوان الگویی أدبی برای آموزش شیوه صحیح دعا و مناجات و هم به عنوان تذکری إلهی درباره منشأ تمامی نعمات عمل کرد و نمونه‌ای ماهرانه در تلفیق آیات و مفاهیم قرآنی و بحثی کلامی که وجوب شکر و سپاس مُنعِم و وجود نعمت‌های خداوند است(و رک: مکارم، ۱۳۷۴، ۱/۲۸) با أدبیات دعایی إرائه گردید و درآن هر ثنا و سپاسی که از أزل تا أبد موجود و معلوم بود و هست و خواهد بود به خداوند که مسمّی و موصوف به همه صفات کمالیه آفریننده و پرورنده و تربیت کننده همه عالمیان، از ملائکه و جن و إنس و وحوش و طیور و غیر آن است، اختصاص یافت (قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۶۸۷) و نمونه‌ای روشن از نفی جزئی یا إجترار در بینامتیت صورت گرفت.

۳-۱-۲. متن حاضر: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (فراز۱). در إدامه جمله نخست(الحمد لله رب العالمین)، معنای آن با عبارت« اللهم لک الحمد» مورد تأکید قرار گرفت و چند صفت از صفات خداوند که همه در ارتباط با قرآن کریم هستند، ذکر شد و به نوعی دلیل اختصاص همه حمد و ستایش به خداوند بیان گردید؛ یکی از آنها« لیس کمثله شیء» است.

متن پنهان: ﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾ (شوری: ۱۱).

رابطه بینامتنی: امام علی بن حسین علیه‌السلام دوباره عین عبارتی دیگر از قرآن کریم را بی آن که تغییری در معنای آن ایجاد شود، آوردند و طی فرآیندی، به یکی از صفات خداوند در علم توحید و یکی از اصول علم کلام و صفات خداوند که هیچ چیز شبیه خداوند

نیست؛ چه اگر نظیری برای او وجود داشت، نظام توحیدی عالَم فرو می‌پاشید و هر خدایی به دنبال مخلوقات خود بود: ﴿إِذاً لَذَهَبَ كُلُّ إِلٰهٍ بِما خَلَقَ﴾ (مومنون/۹۱) (رک: ممدوحی،۳۹۰۱، ۴/۷۲) و کارکردی دعایی و مناجاتی دادند و در ساختار دعا بازآفرینی کردند و نگاه نظام مند خود، به معارف توحیدی را که صفات الهی در آن به صورت زنجیره وار به یکدیگر مرتبط می‌شوند، بیان داشتند. اجترار در این ارتباط نیز، پرواضح است.

۳-۱- ۳. متن حاضر: «أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»(ده بار) و« أَنتَ الذی» (ده بار).

متن غایب: ﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... ﴾ (البقره: ۲۵۵).

ارتباط بینامتنیت: امام زین العابدین علیه‌السلام در إدامه همین فراز، تمرکز دعای خود را بر أساسی‌ترین أصل إعتقادی و أساسی توحید خداوند و مهم‌ترین بحث علم کلام قرار داد و بر صفت یگانگی خداوند و نفی شرک، تأکید بسیار ورزیدند. این أرمهم را از یک عبارت و مفهوم قرآنی﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... ﴾ گرفتند و با تکرار دَه باره آن و ده بار دیگر در ادمه آن، با « أَنتَ الذی» که (با توجه به رابطه هم نشینی، «أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الذی» منظور است و به إعتباری، بیست بار و بیشترین تکرار، نهایت إهتمام در باره آن را نشان دادند و در ادامه هر بار، چند صفت والای خداوند که همه آنها مرتبط با قرآن مجید هستند(و رک: مدنی شیرازی۱۳۶۸ش: ۲۸۳/۶- ۳۱۶ و قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۶۸۹-۷۰۲) و هر مورد در علم کلام جداگانه مورد توجه و بحث قرار دارد را افزودند. گذشته از خود این مورد که نمونه‌ای بس واضح در بینامتنیت از نوع نفی جزئی است(هرچند اندک تغییری در ضمیر غایب«هُوَ» به خطاب«أنتَ» ایجاد شده است) درپی هریک، مواردی دیگر از أنواع بینامتنیت قابل دست یابی است و بدین سان إعجاز و شاه کاری در إرتباط کلام معصوم علیهم‌السلام با مهم‌ترین منبع دینی اسلام(قرآن مجید) و طرح بحثی کلامی، روشن و نمایان می‌شود.

بنابراین نوع ارتباط بینامتنی، در این سه مورد و مواردی دیگر در دعای عرفه، نفی جزئی یا إجترار است.

۳-۲. نفی متوازی / امتصاص

نفی متوازی یا امتصاص در روابط بینامتنی، مبتنی بر پذیرش و بازتولید جوهره متن غایب در متن حاضر است، بی آن که تغییری إساسی در معنای آن ایجاد شود (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵). در این فرآیند، مؤلف با ایجاد سازشی آگاهانه میان متن غایب و حاضر، از معنای أصلی متن غایب دفاع می‌کند، اما ممکن است با افزودن لایه‌های معنایی جدید یا تنوع بخشیدن به آن، به غنای مفهومی متن حاضر بیافزاید. این رویکرد نه تنها به قداست و أهمیت متن غایب إعتراف دارد بلکه با برقراری تعاملی پویا، به إستمرار و حیات مجدد آن در بافت جدید یاری می‌رساند (بنیس، ۱۹۷۹: ۲۵۳). واژه «إمتصاص» به معنای مکیدن و جذب کردن است. در صحیفه این نوع زمانی محقق می‌شود که امام سجاد علیه‌السلام با إعمال تغییراتی در ساختار صرفی یا نحوی عبارات قرآنی، آن‌ها را در بافت جدید دعا به کار می‌گیرد. این تغییرات ممکن است شامل مواردی چون افزودن یا حذف واژگان، تغییر در ترکیب‌های نحوی، تقدیم و تأخیر أجزای جمله و تغییر در صیغه‌های صرفی باشد. نفی متوازی از جهت عدم تکرار عین عبارت و حفظ هسته معنایی اصلی باوجود تغییرات ظاهری، به صنعت أدبی «تلمیح» شباهت دارد[1] و إنعطاف پذیری ألفاظ قرآن در تطبیق با بافت جدید را نشان می‌دهد. تحقق این رابطه منجر به تقویت تأثیر کلامی، توسعه معنایی متن غایب و نمایش تسلط أدبی إمام بر متن قرآن می‌شود. تجلّی مباحث کلامی نیز می‌تواند، مورد توجه واقع شود. در ادامه چهار نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۲-۱. متن حاضر: «الَّذِی أَنْشَأْتَ الْأَشْیاءَ مِنْ غَیرِ سِنْخٍ... أَنْتَ الَّذِی قَدَّرْتَ کُلَّ شَیءٍ تَقْدِیراً، »(فراز دوم).

متن پنهان: ﴿... وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا ﴾ (فرقان: ۲)؛ ﴿ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى* وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴾ (أعلی: ۲-۳)؛ ﴿ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴾ (قمر: ۴۹)؛ ﴿ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ﴾ (شوری: ۴۹)؛ ﴿ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ... ﴾ (زمر: ۶۲).

ارتباط بینامتنیت: امام سجاد علیه‌السلام در این دو عبارت از دعای خود، کلمات قرآنی

۱. «تلمیح»: إشاره به ماجرا یا شعر یا مَثَلی مشهوربدون ذکر نام گوینده است(هاشمی، ۱۳۹۷ش: ۳۰۲)

«خَلَقَ»؛ «خَلقْنا»؛ « یخلُقُ» و « خالق» را به مترادف و جانشین « أنشأتَ» تغییر داده و أسلوب غایب آنها را، به خطاب تبدیل کرده است. صیغه عموم «کلّ شیء» را به أسلوب عام « الأشیاء»(«ال» و جمع مکسر) تحویل کرده و تعبیر « مِن غیر سنخ» را بر عبارت قرآنی افزوده اند. در بخش بعدی «قَدَّرَ» مطلق و بدون «مفعول به» سوره أعلی را با افزودن«کل شیء» و مفعول مطلق «تقدیراً» در دعا همراه ساخته اند(گرچه به إعتبار آیه فرقان می‌تواند، إجترار هم به شمار آید) و به نوعی بحث کلامی صفت خالق بودن خداوند را در ساختار دعا بازآفرینی کرده اند. جان معنای هر دو متن (حاضر و غایب) ذکر دو صفت خالقیت و تقدیر خداوند و تأکید بر آن است اما بر معنای نخست با« مِن غیر سنخ» اضافه شده و بر بی سابقه و جدیدبودن مخلوقات الهی دلالت گردیده است. در مجموع عبارات و مفاهیم قرآنی و مبحثی کلامی به عبارات و مضامین دعاگونه انتقال یافته و کلام الهی در کلام معصوم علیهم‌السلام بازآفرینی شده و به آن جلالت و طراوت خاصی داده شده است. این فرآیند همان نفی متوازی یا امتصاص است.

۳-۲-۲. متن حاضر: « لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يدُومُ بِدَوَامِكَ... وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ»(فراز چهارم).

متن پنهان:﴿ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾(روم: ۱۸)؛ ﴿ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ ﴾ (قصص: ۷۰؛ در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست)؛ ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾(فاتحه: ۲).

رابطه بینامتنی: در این بخش از دعا، «لَهُ الحمدُ» قرآن کریم به أسلوب خطاب«لَکَ الحمدُ» إمام علیه‌السلام تغییر یافت و عبارت‌های «حَمدا یَدومُ بِدَوامِک» و «حَمْداً مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ» در قالب دو مفعول مطلق نوعی إضافه گردید. جانِ معنی، إختصاص حمد و ستایش به ربّ و پروردگار جهانیان است که این مفهوم حصر و قصر در هر دو(قرآن و دعا)، با أسلوب «تَقدیمُ ما حَقُّهُ التأخیرُ(تقدیم خبر شبه جمله بر مبتدای معرفه) بیان شد؛ نیز در آیه سوره حمد، لفظ عام «الحمد»(اسم جنس همراه با « ال») و اسمیه بودن جمله به نوعی بر آن دلالت داشت. اما عبارت افزوده نخست در دعا، دوام إختصاص

حمد به خداوند را برای همیشه و عبارت دوم، برای همگان و همه ستایشگران، اضافه کرد(گرچه خود این دو افزوده را می‌توان از نوع سوم و حوار، به حساب آورد). غرض، بریده نشدن و پایان نیافتن آن ستایش است؛ چه مُلک خداوند تعالی همیشگی است و به آخر نرسد(مدنی شیرازی، ۱۳۶۸ش: ۳۴۱/۶؛ قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۷۰۸). به هر حال با فرآیند انتقال لفظ و معنای قرآن به دعا، روح تازه‌ای در آن دمیده شد و جان دیگری به آن بخشید و بیان یکی از صفات خداوند تعالی و بحثی کلامی در قالب مناجات مطرح گردید. رابطه «إمتصاص» در این بخش نیز روشن است.

۳-۲-۳. متن حاضر: « لک الحمدُ... حَمْداً یُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ یُسْتَدْعَی بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ»(فراز چهارم).

متن پنهان: ﴿ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ ﴾ (قصص: ۷۰).

عملیات بینامتنیت: در این کلام حضرت علی بن حسین علیه‌السلام، پیرامون بخش اول آن(لک الحمد) توضیحی داده شد. اما در ادامه، تغییری که در دو کلمه « الأولی» و « الآخِرة» و تبدیل در دعا به « الأوّل» و « الآخِر» (و از مؤنث به مذکر) جلب نظر می‌کند. از لحاظ معنی نیز، به نوعی همان اختصاص دائمی و همیشگی ستایش به خداوند بازآفرینی شده است.

۳-۲-۴. متن حاضر: « رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ محمدٍ» و« صَلِّ عَلَیهِ»(پانزده بار در فراز پنجم). حضرت زین العابدین علیه‌السلام بعد از آن که در چهار فراز اول دعای خود، به حمد و سپاس و ستایش خداوند پرداخت، فراز پنجم را به ذکر صلوات و درود خداوند بر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندانش ویژه ساخت و آن را نخستین درخواست خود قرار داد و با تکرار پانزده باره، بر أهمیت آن افزود و در پی هریک، عبارات و مضامینی بس زیبا إضافه کرد.

متن پنهان: ﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾ (أحزاب: ۵۶).

فرآیند بینامتنی: در این فراز با بسآمد بالا از دعا، ارتباط و تغییر این کلمات قرآن مجید: « الله»؛ «یُصَلُّونَ»، «صَلُّوا»

«عَلَی»، «عَلَیه» و «النَّبِیِّ» به این ألفاظ در دعا: «رَبِّ»؛ « صَلِّ»؛ « عَلَی» و « مُحَمَّدٍ»

خود را نشان می‌دهد. نیز ساختار خبری بخش اول آیه، به إنشاء و دعا در متن حاضر تغییر می‌یابد أما جوهره و جان معنی که همان درود الهی بر نبی مکرم اسلام ﷺ است، حفظ می‌شود و با افزوده «وَ آلِهِ » توسعه معنایی ایجاد می‌شود. طبرسی در معنای آیه می‌آورد: خداوند بر پیامبر ﷺ درود و صلاة می‌فرستد و او را با ثنای جمیل می‌ستاید و با بالاترین وجه، تکریم می‌کند و ملائکه با بهترین ثناء او را بزرگ می‌دارند و با پاکیزه‌ترین درخواست، برای او دعا می‌کنند(۱۳۶۷ش: ۵۷۸/۸) و علامه طباطبایی، ضمن بیان معنای «صلاة» چنین تفسیر می‌کند: «صلاة» درأصل به معنای إنعطاف (تمایل؛ مهر و محبت) است و صلاة خداوند بر رسول ﷺ تمایل خدای تعالی به او ﷺ با رحمت نامحدود و بی قید است و صلاة ملائک بر او، إنعطاف و توجه به او، باستودن و درخواست مغفرت است و صلاة مؤمنان، دعا و درخواست رحمت است. نیز ایشان از روایات بسیار(از طرق شیعه و أهل سنت) برداشت می کنند که طریقه صلوات مؤمنان، آن است که از خداوند تعالی درخواست کنند تا به او و خاندانش صلاة و لطف آورد... (۱۳۹۳ق: ۳۳۸/۱۶) و بدین سان ضمن پاسداشت أصل إعتقادی نبوت و تکریم نبی مکرم اسلام ﷺ با بازآفرینی کلمات و معانی قرآن کریم در این فراز از دعای إمام سجاد علیه‌السلام، فرآیند نفی متوازی فراهم می‌گردد.

براین اساس در این مورد نیز هم چون موارد پیشین و مواردی دیگر، أنواعی از نفی متوازی یا إمتصاص واقع شده است.

۳-۳. نفی کلی/ حِوار:

در روابط بینامتنی، نفی کلی یا حوار آن است که مؤلف به بازآفرینی کامل متن غایب می‌پردازد و آن را غالبا با تغییر معنی، به صورت ناخود آگاه در بافت جدید به کار می‌گیرد (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷). در این شیوه، گوینده یا نویسنده با إلهام گیری از مفاهیم بنیادین متن غایب، به بازآفرینی و پردازش مضمونی می‌پردازد، بی آنکه الزاماً از ألفاظ مشترک استفاده کند. این نوع به عنوان عالی‌ترین سطح روابط بینامتنی، مستلزم خوانشی عمیق و آگاهانه برای درک متن غایب است. در تمایز از دو گونه پیشین بینامتنیت که بر محوریت ألفاظ استوار بودند، بینامتنیت مضمونی به سطحی عمیق‌تر از ارتباط متنی اشاره دارد. کلمه

«حوار» به معنای گفت و گو، تبادل نظر و پاسخ است و گویا میان دو متن، معنی و مضمونی ردّ و بدل می‌شود. اینک سه مورد از این نوع رابطه:

۳-۳-۱. متن حاضر: « وَ لَا يعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيءٍ، وَ هُوَ بِكُلِّ شَيءٍ مُحِيطٌ »(فراز اول).

متن غایب: ﴿... لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴾ (سبأ/۳) و یونس/۶۱؛ ﴿... وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴾ (طلاق: ۱۲)؛ ﴿ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴾ (طه: ۱۱۰)؛ ﴿ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ (أنفال: ۷۵)؛ ﴿ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴾ (فصلت: ۵۴) و رک: بقره: ۲۵۵؛ نساء: ۱۰۸ و ۱۲۶و... .

ارتباط بینامتنیت: مضمون متن غایب در آیات نسبتا زیادی، إحاطه علمی خداوند بر همه چیز و بر همه هستی است و به عبارتی بر علم فراگیر حق تعالی و مبحث علم خداوند در علم کلام، دلالت دارد؛ «عزوب» رفتن از معلوم و دانسته و ضدّ آن، حضورِ معنی در نفس است و عدم رفتن چیزی از علم خداوند تعالی، به علم خداوند نسبت به کلیات و جزئیات أشیاء إشاره دارد و این أمر مورد إتفاق نظر جمهور متکلمان و حکیمان است... (مدنی شیرازی، ۱۳۶۸ش: ۲۸۱/۶؛ قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۶۸۹). رابطه هم نشینی« أَحَاطَ» و « لَا يُحِيطُونَ» با « عِلْمًا » و جانشینی «عَلِيمٌ» و «مُحِيطٌ» این معنی را تقویت کرد. در کلام امام سجاد علیه‌السلام و متن حاضر، همین مضمون با کلماتی دیگر در أسلوب دعا، بیان شد و حتی همان رابطه هم نشینی با « وَ هُوَ بِكُلِّ شَيءٍ مُحِيطٌ » حفظ گردید(گرچه خود جمله دوم به إعتبار إمتصاص نیز قابل بررسی است) این فرآیند و این بازآفرینی زیبای قرآن مجید به صورت دعا و مناجات در صحیفه سجادیه، نمونه ای روشن برای حوار است.

۳-۳-۲. متن حاضر: « أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْماً مَا أَرَدْتَ» (فراز دوم) و « سُبْحَانَكَ! لَا رَادَّ لِمَشِيتِكَ » (فراز سوم).

متن غایب: ﴿ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾ (یس: ۸۲)؛ ﴿ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴾ (نحل: ۴۰) و رک: آل عمران: ۴۷ و ۵۹؛ أنعام: ۷۳؛ مریم: ۳۵.

رابطه بینامتنی: مضمون متن حاضر، حصر إراده در إراده خداوند است و این که اگر إراده او به أمری تعلق یابد، بدون هیچ درنگی و گذشتی، به طور حتمی و قطعی تحقق می‌یابد و این، تمثیلی برای قدرت خداوند و سهولتی برای انجام هر إراده او و تصویری برای سرعت واقع شدن آنها در صورت تعلق إ راده است(مدنی شیرازی، ۱۳۶۸ش: ۳۰۱/۶) و این که هیچ مانعی برای تحقق خواست و مشیت حضرت حق وجود ندارد. علامه طباطبایی در این مورد می‌گویند: خداوند «أمر» خود را «قول» می‌نامد و همین طور « أمر» و« قول» خود را از جهت محکم بودن و إبهام نداشتن، «حکم» و «قضاء» می‌خواند... و إراده و قضاء خداوند یکی است(۱۳۹۳ق: ۱۲ / ۲۴۸-۲۴۹). این مضمون، بازآفرینی معنای آیات قرآن کریم و نیز بازتاب بحثی کلامی و صفتی إلهی است که بر تحقق بی درنگ إراده و خواست خداوند به هر چیزی که بخواهد، دلالت دارد. این فرآیند، بدون حفظ ارتباط لفظی و متنی، صورت گرفت و مثالی دیگر برای نفی کلی است.

۳-۳-۳. متن حاضر: « وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِی بِإِمْلَائِكَ لِی اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِی خَیرَ مَا عِنْدَهُ (فراز هشتم).

متن غایب: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (آل عمران: ۱۷۸)).

فرآیند بینامتنی: در دعای امام سجاد علیه‌السلام از خداوند درخواست می‌شود که مهلت و فرصتی (برای گناه) به او داده نشود، همانند کسانی که با آن مهلت، از خیر خداوند بازداشته شده‌اند و به نوعی این معنی بیان می‌شود که اگر شخصی پس از گناه، عذاب نمی‌شود و به او فرصت و مهلت داده می‌شود، از خیر و نعمت خداوند محروم می‌شود و در حقیقت آن فرصت دادن به ضرر او است(و رک: مدنی شیرازی، ۱۳۶۸ش: ۴۹/۷-۵۱؛ قهپایی، ۱۳۷۴ش: ۷۴۰). این مضمون در واقع از آیه قرآن و متن غایب، گرفته شده و بازآفرینی و دگرسازی شده است؛ چه مضمون آیه شریفه این است که اگر به کافران، مهلتی داده می‌شود، نباید این پندار پدید آید که خداوند هم چنان آنان را مورد خیر و خوبی خود دارد بلکه بدان سبب است که بر گناه‌های خود افزون کنند و آنان را عذابی خوارکننده فراگیرد. ملاحظه می‌شود

که بدون إنتقال لفظ و عبارت، یک خبر و یک حقیقت و مفهوم قرآنی و یک بحث کلامی، چگونه در ساختار دعا و کلام معصوم علیهم‌السلام جلوه گر می‌شود و توسعه و تغییر می‌یابد و به آن جان و روحی تازه می‌بخشد.

این نمونه و دو مورد قبلی تنها چند مثال برای نفی کلی یا حوار بود؛ حال آن که این دعا و صحیفه سجادیه، آکنده از نمونه‌های بسیاری از أنواع روابط بینامتنیت است که در این مقال، فرصت برای معرفی همه آنها نیست.

نتایج

گذشته از نتایجی که در زیربخش‌های پژوهش عرضه گردید، این نتیجه‌ها نیز قابل افزودن است:

-ألفاظ و عبارات و مفاهیم بسیاری از قرآن کریم به دعای ۴۷ صحیفه سجادیه راه یافته است که گاهی بی تغییر و گاهی با تغییر و توسعه معنایی است. این أمر، با أصول و قواعد علم بینامتنیت موافقت دارد و از قابلیت تطبیق و بازیابی (به لحاظ این علم نیز) برخوردار است و أثرپذیری این منبع اسلامی از قرآن کریم را نشان می‌دهد و از دیگر سو، گاهی به بیان و تفسیر قرآن کمک می‌کند.

- در دعای عرفه حضرت علی بن حسین علیه‌السلام به إعتبار أنواع روابط بینامتنیت، چه بسا کاربرد بیشتر، در نوع نفی کلی یا حوار باشد که از یک سو أهمیت و ارزش بیشتری دارد و از دیگر سو بازیابی و شناسایی آن دشوارتر است.

- جلوه گری أصول إعتقادی و مباحث کلامی در أسلوب و ساختار دعا، دیگر ویژگی دعای صحیفه است.

-دعای عرفه و ۴۷ صحیفه سجادیه و همه آن(صحیفه) گذشته از جنبه علوم إعتبارسنجی گذشته، به لحاظ علم جدید بینامتنیت نیز إرتباطی وثیق با قرآن مجید دارد و این أمر بر أعتبار بیشتر آن می‌افزاید و موجب جلالت و کرامت آن در میان همه مسلمانان می‌شود.

فهرست منابع

-قرآن مجید.

-نهج البلاغه شریف.

-صحیفه سجادیه.

أنصاریان، ح. (۱۳۸۳ش). **تفسیر و شرح صحیفه سجادیه**. قم: دارالعرفان.

بنیس، م. (۱۹۷۹). **ظاهرة الشعر المعاصر فی المغرب: مقاربة بنیویة تکوینیة**. بیروت: دار العودة.

زمخشری، م. (۱۴۰۷ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التأویل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دار الکتاب العربی.

طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۹۳ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه أعلمی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، ف. ب. ح. (۱۳۶۷ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفة.

عزام، م. (۲۰۰۵). **شعریة الخطاب السردی**. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.

عطا، ا. م. (۲۰۰۷). **التناص القرآنی فی شعر جمال الدین بن نباته المصری**. المؤتمر الدولی الرابع لکلیة الألسن، دانشگاه المنیا، آوریل ۲۰۰۷.

قائمی نیا، ع. ر. (۱۳۸۹ش). **بیولوژی نص**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.

قهپایی، ب. (۱۳۷۴ش). **ریاض العابدین فی شرح صحیفة‌سید الساجدین مولانا و مولی المؤمنین علی بن الحسین زین العابدین**. تهران: وزارت فرهنگ و إرشاد اسلامی.

مدنی شیرازی، س. ع. خ.. (۱۳۶۸ش). **ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علی بن حسین** علیه‌السلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

مکارم شیرازی، ن.، و همکاران. (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه** (ج۵). تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مکاریک، ا. ر. (۱۳۸۴). **دانشنامهٔ نظریه‌های ادبی معاصر**(م. مهاجر و م. نبوی، مترجمان). تهران: نشر آگه.

ممدوحی، ح. (۱۳۹۰). **شهود و شناخت** (ج۴). قم: مؤسسهٔ بوستان کتاب.

موسی، خ. (۲۰۰۰). **قرائات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر**. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

نامور مطلق، ب. (۱۴۰۰ش). **درآمدی بر بینامتنیت**. تهران: سخن.

هاشمی، ا. (۱۳۹۷ش). **جواهر البلاغة**. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

وعدالله، ل. (۲۰۰۵). **التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصرة**. بغداد: دار المندلاوی.